

The Prevention of Repeating Offenses with Protection of Criminal's Human Dignity from the Perspective of Criminological Doctrines

*Ebrahim Ghodsi¹, Behrouz Gholizadeh*², Atefeh Sheikh Eslmi³*

1. Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. Email: ghodsi@umz.ac.ir

2. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

*. **Corresponding Author:** Email: behrouzgh.cl@gmail.com

3. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. Email: atefe.sheikheslami@gmail.com

A B S T R A C T

Since a high percentage of criminals commit crimes again after penalty, Dealing correctly with criminals and preventing crime, providing an important influence on the security of society. It is natural that in the event of non-performance and failure to deal properly with criminals punished properly, not only aims to provide criminals cannot be reformed, but their offense is repeated fields would be offered.

From the perspective of human rights law and international regulations to reform the individual and society, human dignity should be the number one concern, and not only him as a Mean to intimidate and deter others, do not use (general prevention) But in order to punish the guilty and prevent a repetition of his crime, his abilities and capabilities are



Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Original Research

DOI:

10.48300/JLR.2021.129337

Received:

29 December 2016

Accepted:

1 February 2017

Published:

22 May 2021

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



taken into consideration and try to make optimal use of them in order to correct him or her. Therefore, the inhibition of the offender, not only through his detention or removal. Also, we should attend to the negative effects penalties in deterring the offender from repeating the crime because this behavior increases the alienation and hatred in criminal person and will trouble his rehabilitation and resocialization. It should be noted that crime, though severe, is blameworthy, not only explain the conflicting reactions with human dignity but also happen to areas of committing second and further crimes by the offender.

The article point out that the criminal acts are not the authority for encounters, violent, disrespectful and wrong reactions against criminals and study the human dignity in the international and internal criminal law and examine the relationship between observance of human dignity and prevention of repeat offenses.

Keywords: Prevention, Repetition of Crime, Human Dignity, Human Rights, International Conventions, Domestic Criminal Law.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Author contributions: Ebrahim Ghodsi: Supervision, Project administration. Behrouz Gholizadeh: Conceptualization, Methodology, Validation, analysis, Investigation, Resources, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing, Project administration. Atefeh Sheikh Eslami: Conceptualization, analysis, Investigation, Resources, Writing - Review & Editing.

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Ghodsi, Ebrahim, Behrouz Gholizadeh & Atefeh Sheikh Eslami. "The Prevention of Repeating Offenses with Protection of Criminals Human Dignity from the Perspective of Criminological Doctrines" *Journal of Legal Research* 20, no. 45 (May 22, 2021): 23-54.

پیشگیری از تکرار جرم با حفظ کرامت انسانی بزهکار با نگاهی به آموزه‌های جرم‌شناختی

سید ابراهیم قدسی^۱، بهروز قلیزاده*^۲، عاطفه شیخ اسلامی^۳

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. Email: ghodsi@umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

* نویسنده مسئول: Email: behrouzgh.cl@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

Email: atefe.sheikheslami@gmail.com

چکیده:

نظر به اینکه بخشی از بزهکاران بعد از تحمل مجازات دوباره مرتکب جرم می‌شوند، برخورد صحیح و اصولی با آنها و جلوگیری از تکرار جرم، تأثیر بسزائی در تأمین بخش مهمی از امنیت جامعه دارد. طبیعی است که در صورت عدم اجرای درست مجازات‌ها و عدم برخورد صحیح با بزهکاران، نه تنها هدف اصلاح بزهکاران تأمین نمی‌شود بلکه زمینه‌های تکرار جرم توسط آنها نیز مهیا خواهد شد.

از منظر اسناد حقوق بشری و مقررات بین‌المللی، کرامت ذاتی انسانی باید در اصلاح فرد و جامعه در درجه اول اهمیت قرار بگیرد و نه تنها از وی به‌عنوان وسیله‌ای برای ارباب و بازدارندگی سایرین، استفاده نشود (پیشگیری عام) بلکه در راستای کیفر بزهکار و پیشگیری خاص از تکرار جرم توسط او، توانایی‌ها و قابلیت‌های وی نیز مورد توجه قرار گرفته و سعی در استفاده بهینه از آنها در جهت اصلاح او شود. بدین ترتیب که مهار بزهکار، صرفاً از طریق سلب آزادی یا حذف وی نباشد. همچنین، نباید از آثار منفی مجازات‌های تهریبی و تزدیلی در



نوع مقاله:
پژوهشی

DOI:
10.48300/IJR.2021.129337

تاریخ دریافت:
۹ دی ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش:
۱۳ بهمن ۱۳۹۵

تاریخ انتشار:
۱ خرداد ۱۴۰۰



مؤسسه مطالعات
و پژوهش‌های حقوقی شهردانش

بازداشتن بزهکار از تکرار جرم غافل شد؛ چراکه این رفتارها باعث افزایش بیگانگی و ایجاد کینه در بزهکار نسبت به جامعه شده و بازاجتماعی شدن وی را دچار مشکل خواهد کرد. از این رو باید در نظر داشت که ارتکاب جرم، هرچند شدید و قابل سرزنش باشد، نه تنها توجیه کننده واکنش‌های متعارض با کرامت انسانی نبوده بلکه اتفاقاً زمینه‌های تکرار جرم از سوی بزهکاران را فراهم می‌کند.

این نوشتار، با تأکید بر اینکه انجام اعمال بزهکارانه، مجوز برخوردهای وسیله‌محور، خشن، موهن و ناشایست با بزهکاران نمی‌باشد، کرامت انسانی بزهکار در قوانین داخلی و بین‌المللی را بررسی و رابطه میان لحاظ کرامت انسانی در اعمال مجازات و پیشگیری از تکرار جرم را مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها:

پیشگیری، تکرار جرم، کرامت انسانی، حقوق بشر، اسناد بین‌المللی، قوانین کیفری داخلی.

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

سیدابراهیم قدسی: نظارت و مدیریت پروژه. بهروز قلیزاده: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، اعتبارسنجی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن، پیش‌نویس اصلی، نوشتن، بررسی و ویرایش و مدیریت پروژه. عاطفه شیخ اسلامی: مفهوم‌سازی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن، بررسی و ویرایش.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

استناددهی:

قدسی، سید ابراهیم، بهروز قلیزاده و عاطفه شیخ اسلامی. «پیشگیری از تکرار جرم با حفظ کرامت انسانی بزهکار با نگاهی به آموزه‌های جرم‌شناختی». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۲۰، ش. ۴۵ (۱ خرداد، ۱۴۰۰): ۲۳-۵۴.

مقدمه

کرامت انسانی، موهبتی است که همه انسان‌ها از آن برخوردار می‌باشند. نوعی از کرامت به صورت ذاتی است که از طرف خداوند به همه انسان‌ها به جهت انسان بودنشان اعطاء شده است^۱ و به هیچ‌وجه قابل سلب نیست. نوع دیگر کرامت انسانی، کرامت اکتسابی می‌باشد که انسان‌ها در مسیر زندگی اجتماعی و تعاملاتشان با دیگران و ارتباطشان با خداوند به دست می‌آورند. قرآن کریم در سوره حجرات ارزشمندترین انسان‌ها را در نزد خداوند باتقواترین آنها می‌داند.^۲ تقوا به فرموده امام خمینی (س): به معنای نگاهداری است و در عرف و لسان اخبار، عبارت است از حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای او و کثیراً استعمال شود در حفظ بلیغ و نگاهداری کامل نفس از وقوع در محظورات به ترک مشابهات.^۳ عوامل کرامت اکتسابی انسانی در کنار تقوا در اسلام عبارتند از: ایمان، عمل صالح، معرفت و عوامل مانع و یا ناقض کرامت انسانی عبارتند از: شرک، نفاق، اعمال سیئه و جهالت.^۴

بدین ترتیب، انسان می‌تواند با توسل به اعمالی از جمله رفتارهای داخل در گستره تحریم و تجریم، امتیازات ناشی از کرامت اکتسابی انسانی را از خود زائل کرده و بدین ترتیب حقوق و آزادی‌های خود را در معرض تعرض و تحدید قرار دهد.

در حقوق جزای عرفی، هر شهروندی مادامی که رفتارهای بزهکارانه مندرج در قوانین کیفری را نقض نکرده باشد، از کلیه حقوق و آزادی‌ها در بستر حمایت قانونی برخوردار خواهد بود؛ اما در مقابل در صورت نقض قوانین واجد ضمانت‌اجراهای مدنی، اداری و به‌ویژه کیفری بخشی از حقوق و آزادی‌های شهروندی خود را از دست خواهد داد. نکته قابل توجه این است که این نوع از محدودیت در حقوق و آزادی‌های شهروندان به علت نقض قوانین کیفری باید در چهارچوب خود قوانین قرار بگیرد و به عبارتی واجد حمایت قانونی نیز باشد. به بیان دیگر، صرف نقض گستره قانونی، مجوزی برای آزادی عمل مجریان قانون و نهادهای عدالت کیفری در ارائه هر واکنشی در برابر رفتار ناقض قانون نبوده بلکه باید مبتنی بر یک عملکرد کرامت‌مدار باشد تا ضمن حفظ کرامت انسانی بزهکار، واجد آثار بازدارندگی در ارتکاب مجدد رفتار بزهکارانه نیز باشد.

۱. و لقد كَرَّمنا بنى آدم و حملنا هم فى البر و البحر و رزقناهم من الطيبات و فضلناهم على كثير ممن خلقنا تفضيلاً (سوره اسرى، آیه ۷۰)

۲. يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (سوره حجرات، آیه ۱۳)

۳. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴)، ۲۰۶.

۴. برای توضیح بیشتر در این خصوص نک: تدوین کمیته علمی همایش، چکیده مقالات: همایش بین‌المللی امام خمینی (ره) و قلمرو دین (کرامت انسان) (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶)، ۵۵۱.

۵. نرخ بازگشت به زندان در ایران در طی یک سال نخست پس از آزادی نزدیک به ۳۰٪ می‌باشد. این مقدار در آمریکا ۶۲٪ طی سه سال بعد از آزادی است. (راهرو خواجه، «نقش مراکز مراقبت پس از خروج در پیشگیری از تکرار جرم»، ۲۷ و ۲۸)

آموزه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی^۶ در این زمینه قابل توجه است؛ چراکه این نظریه از یک سو در مقام بیان تأثیر عملکرد نهادهای عدالت کیفری در ارتکاب مجدد رفتار بزهکارانه از سوی بزهکار و یا تأثیر آن در بازداشتن وی از تکرار جرم می‌باشد و از سوی دیگر به مطالعه و بررسی آثار مجازات‌های کمانه‌ای ناشی از اجرای مجازات‌ها در دو مقوله تکرار جرم و یا بازپروری بزهکار می‌پردازد و از این رهگذر انواع واکنش رسمی نهادهای عدالت کیفری و غیررسمی اجتماعی را به‌ویژه در تکرار جرم به چالش می‌کشد.

بنابراین، در برخورد با بزهکاران باید توجه داشت که کرامت نوع اول به‌دلیل ذاتی بودن، به هیچ‌وجه قابل سلب نبوده و از این رو واکنش‌های کیفری در برابر بزهکار نیز باید با لحاظ آن صورت بگیرد و نقض آن تحت هیچ شرایطی قابل توجیه نخواهد بود. همچنین، در خصوص نقض نوع دوم کرامت یعنی کرامت اکتسابی، باید در نظر داشت که واکنش‌های کیفری در برابر رفتار بزهکارانه افراد، باید متناسب با گستره نقض قوانین کیفری باشد که فرد به‌واسطه آن، تحت تعقیب و محکومیت قرار گرفته است و ارتکاب یک جرم نباید بهانه‌ای باشد تا بزهکار از تمام کرامت اکتسابی خود محروم شده و یا کرامت ذاتی وی مورد تعرض واقع شود.

در خصوص برخورد با بزهکاران، سنتی‌ترین پاسخ در برابر تکرار جرم، توسل به شدت مجازات‌هاست که هنوز در سیاست جنایی تقنینی برخی کشورها خودنمایی می‌کند؛ اما با وجود تشدید کیفر و در برخی موارد طرد بزهکار از این طریق، مقوله تکرار جرم رو به افزایش گذاشت و به دنبال ناکارآمدی کیفر در مقابله با تکرار جرم، اندیشه بازپروری و خنثی کردن خوی جامعه‌ستیزی در بزهکاران قوت یافت. شناسایی شخصیت بزهکار و علل ارتکاب جرم بعد از ارتکاب اولین جرم، در چهارچوب دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی با هدف بازگرداندن بزهکار به زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد که غایت آن پیشگیری از تکرار جرم است. برخورد با بزهکاران باید بر اساس اصول و قواعدی باشد که سعی در اصلاح و بازگرداندن بزهکار به جامعه دارند و در عین حال، شخصیت انسانی و کرامت ذاتی بزهکار نیز مورد توجه قرار بگیرد و از توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی او برای اصلاح و بازاجتماعی شدن، استفاده شود.

توجه به اصلاح و بازاجتماعی کردن بزهکار، بعد از ظهور ناکارآمدی روش‌های تشدیدآمیز کیفر برای پیشگیری از تکرار جرم، در مقررات بین‌المللی به‌خصوص از طرف سازمان ملل متحد، طی کنفرانس‌های پنج‌ساله به‌صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است. در قوانین داخلی نیز به‌ویژه در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۸۴ و همچنین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در قالب تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین حبس، نظام نیمه‌آزادی، معافیت از کیفر و ... به اصلاح و بازپروری بزهکار، توجه ویژه شده است. قانونگذار ایران نیز با پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس، آزادی مشروط، تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، پیش‌بینی مجازات‌های تکمیلی و تسری آنها به جرایم حدی و قصاصی و ... به اصلاح و بازاجتماعی کردن بزهکاران توجه داشته است.

6. Social Reaction Criminology

البته ناگفته پیداست که پیش‌بینی مجازات‌های بدنی مانند شلاق نیز صرفاً جنبهٔ تنبیهی و پیشگیری عام دارد، منصرف از اهداف اصلاحی و بازپرورانه بزهکاران است. این مقاله، پس از بررسی جایگاه کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و قوانین کیفری ایران از جمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و ... (مبحث اول) به بررسی آثار اعمال مجازات‌های متعارض یا مبتنی بر کرامت انسانی در پیشگیری از تکرار جرم با تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی (مبحث دوم) می‌پردازد.

مبحث اول: جایگاه کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین کیفری ایران

در خصوص مفهوم کرامت انسانی از نظر اصطلاحی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. علامه جعفری معتقدند که انسان‌ها داری دو نوع کرامت هستند که عبارتند از: «۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود و به‌جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند؛ ۲- کرامت ارزشی که از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است.»^۷ به‌نظر علامه، کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی انسان با انجام جنایت و خیانت از او قابل سلب است. این نوع نگرش علامه به کرامت ذاتی انسان، علاوه بر اینکه خود دارای یک نوع تناقض آشکار می‌باشد چراکه به‌لحاظ منطقی، ذاتی شیئی نه قابل وضع است نه قابل سلب^۸ بلکه به‌نظر می‌رسد توجیه‌کننده هر نوع برخورد غیر کرامت‌مدار و برخلاف شأن انسانی نیز می‌باشد؛ چراکه اگر در نظر بگیریم همه بزهکارانی که با اختیار خود مرتکب جرم شده‌اند با توجه به شدت و اهمیت بزه ارتکابی، قسمتی از کرامت ذاتی خود را از دست بدهند، موجب تضییع حقوق انسانی بزهکاران و برخوردهای خودسر و تفسیرهای مصلحت‌اندیشانه به نفع اجتماع خواهد شد. در واقع از بزهکار بدون توجه به شخصیت ذاتی انسانی وی به‌عنوان یک وسیله در جهت تأمین نظم و امنیت جامعه از طریق ایجاد رعب برای بزهکاران بالقوه (پیشگیری عام) استفاده خواهد شد؛ درحالی که با همه انسان‌ها باید به‌صورت برابر و به‌عنوان غایت بالذات رفتار شود و خط قرمز کرامت ذاتی انسانی به هیچ‌وجه نباید قابل نفوذ باشد.

امانوئل کانت با طرح نظریه «خودمختاری اخلاقی»^۹ کرامت انسانی را حیثیت و ارزشی می‌داند که تمام انسان‌ها به‌جهت استقلال ذاتی و توانایی اخلاقی که دارند به‌طور ذاتی و یکسان دارا می‌باشند. این کرامت از نظر کانت به‌طور اجتناب‌ناپذیر با «عقلانیت خودآگاه انسان» ارتباط دارد. تعریف کانت از کرامت ذاتی انسانی جامعیت لازم را ندارد چراکه شامل افرادی که از توانایی عقلانی و

۷. جعفری تبریزی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، ۲۷۹.

۸. رحیمی‌نژاد، کرامت انسانی در حقوق کیفری، ۲۹.

اخلاقی لازم برخوردار نیستند، نمی‌شود^{۱۰} و بخشی از بزهکاران مانند صغار که هنوز به این توانایی‌ها دست نیافته‌اند و با در نظر گرفتن این واقعیت که بسیاری از بزهکاران دارای اختلالات روانی هستند^{۱۱} و به نوعی عقلانیت خودآگاهشان که از نظر کانت لازمه برخورداری از کرامت ذاتی می‌باشد را از دست داده‌اند پس فاقد کرامت ذاتی می‌باشند، درست نیست. در واقع باید گفت: «کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی تعقل و تفکر و وجهه و نفخه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند و کرامت اکتسابی آن نوع شرافت و حیثیتی است که انسان‌ها به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی‌های ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل اخلاقی آن را به دست می‌آورند.»^{۱۲} به نظر می‌رسد منظور از توانایی تفکر و تعقل، قدرت اندیشیدن و تفکر است که به نوع بشر از طرف خداوند بخشیده شده است؛ از این رو اگر فردی این قدرت خود را از دست بدهد و یا به صورت مادرزادی فاقد قدرت تفکر و تعقل باشد، از کرامت ذاتی محروم نمی‌شود. در واقع، برخورداری از کرامت ذاتی انسانی بدون دخالت اراده و اختیارش بوده و با اراده و اختیار خود فرد نیز قابل سلب نمی‌باشد. لیکن کرامت اکتسابی، حیثیت، شرافت و اعتباری است که انسان با توسل به توانایی‌ها و استعدادها ذاتی خود کسب می‌کند و در برخی موارد هم با ارتکاب اعمالی، این حقوق و یا قابلیت برخورداری از آنها را از دست می‌دهد.

در خصوص واکنش در برابر بزهکاران، لازم به ذکر است که واکنش‌های کرامت‌مدار، رفتاری اعم از مجازات و یا اقدامات دیگر در برابر رفتار بزهکارانه است که با اهداف مختلف پیشگیری یا کیفر رساندن و در اکثر موارد برای نیل به هردو هدف اعمال می‌شود؛ بنابراین تمامی این اقدامات باید داخل در چهارچوب کرامت و حیثیت انسانی بزهکار باشد.

کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی، از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. بررسی این جایگاه در این اسناد اعم از کنفرانس‌های پنج‌ساله سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجموعه اصول حمایت از اشخاصی که تحت هر شکلی در بازداشت یا زندان هستند، حمایت از آزادی به‌وسیله تعیین کیفرهای جانشین سالب آزادی و جایگاه کرامت انسانی بزهکاران در قوانین داخلی ایران اعم از قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آیین‌نامه زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، به ترتیب گفتار اول و دوم این مبحث را تشکیل می‌دهند.

۱- کرامت انسانی بزهکار در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حق برخورداری از آزادی از حقوقی است که در کنار حق امنیت و حق زندگی در مقدمه منشور سازمان

۱۰. همان، ۲۹.

۱۱. نک: راهرو و خواجه، علی اصغر و لیلیا دلربایی فرد «نقش مراکز مراقبت پس از خروج در پیشگیری از تکرار جرم»،

اصلاح و تربیت ۱۱۴ (۱۳۹۰)، ۳۰.

۱۲. رحیمی‌نژاد، پیشین، ۳۰.

ملل متحد به آن تأکید شده است. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. از لفظ هر کس در ابتدای متن به راحتی مشخص می‌شود که مراد انسان بدون توجه به نژاد و جنسیت، مذهب، نسبت و ... است. این حق در واقع برای انسان بما هو انسان در نظر گرفته است. بنابر ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر «احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود» همین طور طبق ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد، هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد، از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون ...» و همین طور در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۱ و ۱۶ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر اسناد بین‌المللی سه مورد ممنوع شده است که بی‌ارتباط با حق حیات و حیثیت ذاتی و کرامت انسانی مطلق (انسان بما هو انسان) نیست: شکنجه، رفتار خشن، غیرانسانی و موهن.

موازن اخلاقی جرم‌شناختی نیز امروزه با اصول حقوق بشر عجین و بنابراین داری ضمانت اجرا شده است. ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بندهای سه‌گانه خود از این منظر قابل توجه و تحلیل است: باید با افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد و بدین منظور باید متهمان از محکومان جدا نگهداری شده و تابع مقررات متفاوتی باشند. صغار متهم از بزرگسالان متهم جداگانه نگهداری شوند و نظام زندان‌ها رفتاری را باید نسبت به زندانیان معمول دارد که موجب اصلاح و بازپروری (اعاده حیثیت) اجتماعی آنان گردد. هیچ کس را نمی‌توان شکنجه داده و تحت آزمایش‌های پزشکی یا جراحی بدون رضایت آزادانه وی قرار داد (ماده ۷). ماده ۱۰ همین میثاق نیز تا اندازه زیادی تحت تأثیر قاعده ۶۵ «قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان»^{۱۳} مقرر می‌دارد: هدف از رفتار با محکومان به حبس یا تدابیر مشابه باید این باشد که تا سرحد امکان از مدت محکومیت ایشان برای اداره زندگی قانونمند و خودکفایی پس از آزادی استفاده شده و این افراد برای این شیوه زندگی آماده شوند. «این رفتار باید به نحوی باشد که حس احترام به خود در آنان تقویت کرده و احساس مسئولیت‌پذیری را در ایشان توسعه دهد. قاعده ۵۸ هدف کیفر سالب آزادی را به طور کلی حمایت از جامعه در برابر جرم تلقی می‌کند، ولی این هدف در صورتی حاصل خواهد شد که از مدت حبس تا حد امکان به گونه‌ای استفاده شود که بزهکار هنگام بازگشت به جامعه نه تنها مایل، بلکه قادر به زندگی خودکفا و توأم با احترام به قانون باشد. قاعده ۶۰-۲ با هدف تضمین بازگشت موفقیت‌آمیز بزهکار به جامعه مقرر می‌دارد که بهتر است پیش از اتمام مدت محکومیت به حبس اقدام‌های لازم برای حصول اطمینان از بازگشت تدریجی زندانی به زندگی عادی در جامعه صورت گیرد.»^{۱۴}

بررسی برخی اسناد در خصوص رعایت حقوق اولیه متهمان و بزهکاران می‌تواند نشانگر اهمیت

13. United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners

۱۴. نجفی ابرندآبادی، پیشگیری عادلانه، ۵۶۳.

حقوق و آزادی‌های اشخاص از منظر سازمان ملل باشد. از جمله در این زمینه می‌توانیم به کنگره‌های پنج‌ساله سازمان ملل، به‌ویژه اولین کنگره^{۱۵} که در سال ۱۹۵۵ تشکیل گردید و منجر به تدوین مجموعه مقررات حداقل رفتاری با زندانیان شد، اشاره کرد. از دیگر اسناد بسیار مهم می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، مجموعه اصول حمایت از اشخاصی که تحت هر شکلی در بازداشت یا زندان هستند، مصوب ۱۹۸۸ و بررسی «قواعد حداقل استانداردهای سازمان ملل متحد در رابطه با اقدامات غیرسالب آزادی» که هر کدام به‌نوبه خود دارای تدابیر قابل توجهی در جهت حمایت از آزادی‌های اشخاص به‌ویژه توجه به شخصیت بزهکاران و اجتناب از رویکرد وسیله‌محور به بزهکاران و توجه به بزهکار به‌عنوان یک انسان و رعایت کرامت انسانی وی می‌باشند که در این قسمت به آنها اشاره خواهیم کرد. لذا با توجه به اهمیت این موضوعات، به هر کدام جداگانه اشاره مختصری خواهیم داشت.

۱-۱- کنگره‌های پنج‌ساله سازمان ملل متحد

کنگره‌های سازمان ملل که ابتدا به «پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران» موسوم بود، طی تصمیم شماره ۵۶/۱۱۹ و از کنگره یازدهم (۲۰۰۵ بانکوک) در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۱، عنوان این کنگره‌ها به «پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» تغییر یافت. حال سؤال مهمی که مطرح می‌شود، این است که آیا حذف عبارت «اصلاح بزهکاران» به‌معنای تغییر در سیاست جنایی سازمان ملل یا به‌عبارتی نتیجه شکست نظام اصلاح و درمان می‌باشد؟ با توجه به اظهارات دبیر کمیسیون پیشگیری از جرم سازمان ملل این تغییر عنوان کمیسیون به هیچ‌وجه به‌معنای روی گردانی از سیاست اصلاح و بازپروری بزهکاران نیست بلکه عدالت کیفری به‌زعم سیاست‌گذاران این سازمان تعبیری جامع‌تر است که شامل اصلاح بزهکاران نیز می‌شود زیرا موضوع اخیر در بستر عدالت کیفری و به مناسبت اعمال کیفر نسبت به بزهکاران به اجرا گذاشته می‌شود.^{۱۶} در واقع به‌نظر می‌رسد اعمال کیفر در صورتی عادلانه خواهد بود که در جهت اصلاح شخصیت بزهکار و متناسب با جرم انجام یافته و با رعایت کرامت انسانی بر بزهکار تحمیل شود.

۱-۱-۱- کنگره اول ۱۹۵۵

اولین کنگره، مجموعه مقررات حداقل رفتار اصلاحی با زندانیان را به‌تصویب رساند که پس از آن طی قطعنامه ۶۶۳ تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۵۷ به تأیید شورای اقتصادی و اجتماعی رسید و سپس طی تصمیم شماره ۲۰۷۶ به‌عنوان الگوی تدوین روش‌ها، قواعد، هنجارها و اصول راهبردی بین‌المللی مدیریت عدالت کیفری شناخته شد.^{۱۷} قواعد مختلف این مجموعه مقررات، بر رفتار انسانی، محترمانه و تقویت

۱۵. «قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان» مصوبه اولین کنگره «مجازات مجرمین و جلوگیری از جنایت» سازمان ملل متحد در ژنو در سال ۱۹۵۵ و مصوبه شورای اقتصادی و اجتماعی در ژوئیه ۱۹۵۷ و مه ۱۹۷۷.
 ۱۶. ابراهیمی، «کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از جرم و عدالت کیفری: دستاوردها و دورنماها»، ۳۶۲.
 ۱۷. همان، ۳۶۵.

روند اجتماعی کردن و مسئولیت‌پذیری زندانیان تأکید می‌کند. تأکید بر رفتار مثبت و محترمانه با زندانیان (قاعده ۴۸) استفاده از ابزارهای درمانی، تربیتی، معنوی و سایر ابزارها و نیز کلیه روش‌های معاضدتی در نیل به اهداف کیفر سلب آزادی (قاعده ۵۹)، تقویت عزت نفس و حس مسئولیت زندانیان (قاعده ۶۵) و... از جمله موارد مصرح در نوع رفتار با زندانیان در این مجموعه مقررات است. قاعده ۳۰ این مجموعه به رعایت اصول بنیادین کیفری از جمله اصل قانونی بودن مجازات، منع تحمیل مجازات مضاعف و لزوم ایجاد امکانات لازم برای دفاع مناسب قابل ذکرند. قاعده ۳۳ جهت حمایت از کرامت انسانی و منع تحقیر زندانی مورد تأکید قرار گرفته و شکنجه زندانیان ممنوع اعلام شده است. طبق قاعده ۳۱ هم «هرگونه مجازات غیرانسانی و قساوت‌بار مانند قرار دادن زندانی در سلول تاریک، ولو به قصد تأدیب، ممنوع است.» در قاعده‌های ۵۸ و ۶۱ بر اصلاح و برگشت مجدد زندانی به جامعه تأکید شده است. بنابر قاعده ۵۸ «اکیداً توصیه می‌شود که باید برای برگشت مجدد زندانی به جامعه در او اهلیت ایجاد گردد؛ زیرا هدف از زندان حمایت از جامعه است.» درست است که هدف این ماده نیک است لیکن چون یک انسان را برای رسیدن به این هدف وسیله فرض کرده است و هدف غایی را جامعه فرض کرده است، از این نظر قابل نقد می‌باشد چراکه هدف غایی مجازات باید انسان به عبارت دیگر خود بزهکار باشد. قاعده ۶۱ بیان می‌دارد: «باید در نظر داشت که یک نفر زندانی یکی از افراد جامعه است و رانده شده از آن نیست و باید به این اعتبار با او رفتار کرد و نیز جامعه را مجهز کرد که با این چشم به او نگاه کند و کارشناسان اجتماعی باید سعی کنند که رابطه زندانی با اقوام و عشیره‌اش و با گروهی که با آنان همکاری خواهد کرد، قطع نشود و در حدود قانون برای حفظ حقوق مدنی و اجتماعی او تلاش کرد.»

این مقررات از یک طرف ضامن حمایت از حقوق و آزادی‌های زندانیان و از طرف دیگر متضمن ایجاد شرایط لازم جهت بازگشت بزهکار به جامعه و زندگی اجتماعی سالم خواهد بود.

۱-۱-۲- سایر کنگره‌ها

دیگر کنگره‌ها هم به نوعی هدف اصلاح و توجه به شخصیت و کرامت انسانی بزهکار را مورد نظر داشته‌اند، برای مثال بند د کنگره دوم به صورت مستقیم به زندان‌های کوتاه‌مدت و بازاجتماعی کردن بزهکاران پرداخت. در کنگره سوم توجه به پیشگیری جامعه‌مدار، مبارزه با تکرار جرم و تدابیر اختصاصی پیشگیری از بزهکاری نوجوانان از جمله خط‌مشی‌های عمده این کنگره محسوب شده است. کنگره چهارم که برای اولین بار در خارج از اروپا برگزار شد به پیشگیری جامعه‌مدار و مشارکت مردم در پیشگیری از بزهکاری تأکید داشت. در کنگره پنجم که با موضوع «پیشگیری و سرکوب، اهداف جدید ربع آخر قرن» تشکیل شد، برای اولین بار به بزهکاری به عنوان اقدام سودآور پرداخته شد و به اشکال جدید بزهکاری مانند جرایم سازمان‌یافته توجه شد؛ و توصیه‌هایی حول موضوعات زیر صادر شد:

۱- سوءاستفاده از قدرت (موقعیت) اقتصادی، قاچاق مواد مخدر، تروریسم، سرقت و تخریب اموال فرهنگی. بر پایه همین توصیه و طبق قطعنامه شماره ۳۴۵۲ دسامبر ۱۹۷۵، اعلامیه

حمایت از همه اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتارهای موهن، ظالمانه و غیرانسانی، توسط مجمع عمومی صادر و اعلام گردید. مجمع عمومی طی قطعنامه شماره ۳۲/۶۲ تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۷۷، تدوین طرح کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای موهن، ظالمانه و غیرانسانی را در پرتو اصل مندرج در اعلامیه مورد اشاره خواستار شده بود. این کنوانسیون که در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد، دولت‌ها را متعهد ساخت که شکنجه را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری کنند؛ ۲- همچنین اساس و بنیان «مجموعه قواعد رفتاری درباره شیوه رفتار مجریان قانون» که طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ دسامبر ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی رسید، در همین کنگره طرح‌ریزی شد.^{۱۸}

۱-۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

طبق بند ۱ از ماده ۲ این میثاق، دولت‌های طرف این میثاق متعهد به رعایت کلیه حقوق مذکور در این میثاق بدون توجه به هر نوع از تفاوت‌های موجود میان انسان‌ها هستند. در ماده ۷ این میثاق هر نوع شکنجه ممنوع گردیده و طبق ماده ۸ «هیچ‌کس را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت ...». در مواد دیگر نیز به حقوق از جمله حق داشتن وکیل، حق اعتراض به حکم بازداشت، اصل برائت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و دیگر حقوق بزهکاران و متهمین اشاره شده است. در ماده ۱۷ این میثاق کرامت ذاتی انسان به صورت مستقیم مورد توجه قرار گرفته «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات، مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت وی نباید مورد تعرض غیرقانونی قرار بگیرد ...»

۱۸. دیگر کنگره‌ها به دلیل عدم ارتباط مستقیم با موضوع مقاله در قسمت پاورقی آورده می‌شوند:
در کنگره ششم برای اولین بار مقرر شد که برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری با وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر کشور منطبق و در فرایند تدوین برنامه‌ها لحاظ گردد.
«پیشگیری از جرم به منظور تضمین آزادی، عدالت، آرامش و توسعه» موضوع هفتمین کنگره پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین بود.
کنگره دهم: «بزهکاری و عدالت: چالش قرن بیست‌ویکم» ارتقای حاکمیت قانون و تقویت نظام عدالت کیفری، همکاری بین‌المللی برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، مبارزه با ارتشا، پیشگیری جامعه‌مدار، زنان و نظام عدالت کیفری از مهم‌ترین محورهایی بودند که در این کنگره بررسی شدند.
کنگره یازدهم که از ۱۸ تا ۲۵ آوریل ۲۰۰۵ در بانکوک برگزار شد، اعلامیه بانکوک را تصویب کرد که یک سند سیاسی بسیار مهم است که نشان‌دهنده پایه و اساس تلاش برای پیشگیری و مبارزه با جرایم به خصوص جرایم تروریستی و سازمان‌یافته می‌باشد.
کنگره دوازدهم از ۱۲ تا ۱۹ آوریل سال ۲۰۱۰ در شهر السالوادور کشور برزیل برگزار شد. موضوعات زیادی از جمله خشونت علیه زنان، خشونت خانگی، عدالت کیفری بین‌المللی از دیدگاه تعقیب‌کنندگان قانونی، کمک‌های مذهبی به زندانیان و ... مورد بررسی قرار گرفتند.

۱-۳- مجموعه اصول حمایت از اشخاصی که تحت هر شکلی از بازداشت یا زندان هستند

این مجموعه که در ۹ دسامبر ۱۹۸۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است در اصل یکم خود به لزوم رعایت کرامت ذاتی انسان و داشتن رابطه‌ای انسانی با تمامی کسانی که در بازداشت یا زندان هستند، اشاره کرده است. در اصل دوم بیان می‌دارد که دستگیری و بازداشت باید بر اساس قانون باشد و برطبق اصل ۶ هیچ‌گونه شکنجه یا عمل غیرانسانی و تحقیرآمیزی بر افراد بازداشت‌شده یا زندانی قابل اعمال نخواهد بود.

در اصل بیستم این مجموعه به ارتباط فرد بازداشت یا زندانی‌شده با خانواده و محیط زندگی خودش در طول حبس تأکید شده است. به این صورت که در صورت امکان محل بازداشت‌شده یا زندانی باید به محل زندگی اولیه وی نزدیک باشد. این امر صرف‌نظر از آنکه مانع از ایجاد مخاطرات غیرضروری روحی و روانی برای فرد می‌شود، امکان ملاقات زندانیان و بازداشت‌شدگان را با ملاقات‌کنندگان که یکی از حقوق طرفین شناخته شده است نیز تسهیل خواهد نمود. بدین ترتیب در صورتی که مناسب تشخیص داده شود، با فرض ایجاد رابطه بیشتر میان فرد بازداشت‌شده یا زندانی و خانواده و سایر بستگان آنان، از مخاطرات فراوان احتمالی برای خانواده، فرزندان و حتی کسانی که از آنان سلب آزادی شده است، جلوگیری شود.

۱-۴- حمایت از آزادی بزهکاران به وسیله تعیین کیفرهای جانشین سالب آزادی

یکی دیگر از اقداماتی که سازمان ملل متحد در جهت حمایت از آزادی‌های اشخاص انجام داده است، استفاده از کیفرهای جانشین حبس می‌باشد تا بدین وسیله از تهدید بیشتر آزادی‌های اشخاص جلوگیری به عمل آید.

«اصلاح و بازپروری اجتماعی بزهکار از طرق حبس با شکست روبه‌رو شده است. زندان قادر به سازش دادن، ارشاد و بازپذیر کردن اجتماعی بزهکار نیست. از میان ۴۵۰۰۰ زندانی در ماه آوریل ۱۹۸۶، ۸۰٪ آنها کمتر از شش ماه بود که در حبس به سر می‌بردند، این عده به احتمال زیاد مجدداً مرتکب جرم می‌شوند.»^{۱۹}

یأس و ناامیدی از کاربری زندان نه تنها در قانونگذاری‌های داخلی بلکه در اسناد بین‌المللی و از جمله قواعد توکیو در گستره‌های وسیع‌تر جلوه‌گر شده است. در بند ۳ ماده ۲ آمده است که تدابیر جایگزین اقدامات سالب آزادی شامل مقرراتی خواهد بود که قبل و بعد از محاکمه قابل اجرا می‌باشد. توسعه چنین قلمرویی دقیقاً در راستای اصل «حداقل مداخله» است که به موجب آن نظام عدالت کیفری باید تلاش نماید جز در ضروری‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین موارد از دخالت اجتناب نماید. در بند ۱۰ ماده ۳ مقرر شده است: «به هنگام اجرای اقدامات غیرسالب آزادی، حقوق بزهکار را نباید بیش از آنچه مقام صلاحیت‌دار اجازه داده و مبنای تصمیم اصلی است، محدود ساخت.» و طبق بند ۱۱ ماده

۱۹. لازرژ، سیاست جنایی، ۹۴.

۳: «در اجرای اقدامات غیرسالب آزادی می‌بایست حق آسایش و حریم بزهکار و نیز حق آسایش و حریم خانواده بزهکار رعایت گردد.»

۲- جایگاه کرامت انسانی بزهکاران در قوانین داخلی ایران

بررسی قانون اساسی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، قانون مجازات اسلامی و ...، بخشی از جایگاه کرامت انسانی و لزوم رعایت آن در قوانین ایران را به تصویر می‌کشد. منع هتک حرمت و حیثیت دستگیرشدگان و زندانیان، منع شکنجه، جایگزین نمودن مجازات زندان با نهادهای جدید پیش‌بینی شده در ق.م.ا از قبیل جایگزین‌های زندان و نظام نیمه‌آزادی، تشکیل «دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان» به پیش‌بینی ماده ۴۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و منع تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی متهمان و محکومان و اعمال تنبیه‌های خشن، مشقت‌بار و موهن در مؤسسه‌ها و زندان‌ها (ماده ۶۹ آیین‌نامه) و موارد طرح‌شده در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مثل تأکید بر رعایت موازین اخلاقی و اسلامی با مرتکبان جرایم، از جمله مواردی هستند که تلاش مقنن در راستای پیش‌بینی و اتخاذ تدابیر کرامت‌محور با مرتکبان جرایم را منعکس می‌کنند.

۲-۱- قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کرامت انسانی جزء مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی بوده و هم‌تراز اصول اعتقادی، همچون توحید، نبوت و معاد مطرح گردیده است (بند ششم از اصل دوم)^{۲۰} که نشان‌دهنده اهمیت بسیار بنیادین و اساسی آن است و اهمیت آن تا جایی است که در مقدمه قانون اساسی (بخش وسایل ارتباط جمعی)، آزادی و کرامت انبای بشر، سرلوحه اهداف قانون اساسی محسوب گردیده است.^{۲۱}

قانون اساسی ایران در بند ۵ اصل ۱۵۶ به‌صورت مستقیم هدف اصلاح بزهکاران را موردتوجه قرار داده و تأمین این اهداف را از وظایف قوه قضائیه شناخته است. (اقدام مناسب قوه قضائیه برای اصلاح بزهکاران) در اصول دیگر نیز حقوق و کرامت بزهکاران را موردتوجه قرار داده است که

۲۰. اصل دوم: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح؛ ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛ ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین؛ ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛ ج - نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

۲۱. حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ۸.

هرکدام از این اصول نیز می‌توانند در اصلاح بزهکار و جلوگیری از تکرار جرم مؤثر واقع شوند، از جمله اینکه در اصل ۳۴ حق دادخواهی را به رسمیت شناخته و ضمانت اجرای تخلف از این اصل که موجب سلب حقوق اساسی فرد می‌شود، در ماده ۵۷۰ ق.م.ا.م.^{۲۱} مشخص شده است. در اصل ۳۹^{۲۳}، منع هتک حرمت و حیثیت دستگیرشدگان و زندانیان ممنوع شده است که به صورت مستقیم به رعایت کرامت انسانی مربوط می‌شود و همچنین در اصل ۳۸^{۲۴}، شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع شده است که می‌توان گفت مهم‌ترین اصل قانون اساسی در جهت حمایت از کرامت انسانی بزهکاران می‌باشد. لیکن نقدی که بر این اصل وارد می‌باشد این است که تنها مواردی را شامل می‌شود که برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع است، درحالی‌که شکنجه ممکن است با انگیزه‌های دیگری از جمله کیفر دادن اعمال شود.^{۲۵} در اصول دیگر قانون اساسی نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم کرامت انسانی مورد حمایت قرار گرفته است که از این میان می‌توان به منع تبعید یا اقامت اجباری (اصل ۳۳)^{۲۶}، منع دستگیری و توقیف غیرقانونی (اصل ۳۲)^{۲۷}، منع تفتیش عقاید (اصل ۲۳)^{۲۸}، منع عطف کردن قوانین جزایی به گذشته (۱۶۹)^{۲۹}، اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۶)^{۳۰} و اصل برائت (اصل ۳۷)^{۳۱} اشاره کرد.

۲۲. ماده ۵۷۰: «هریک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

۲۳. اصل سی و نهم: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

۲۴. اصل سی و هشتم: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۲۵. رحیمی‌نژاد، پیشین، ۹۰.
۲۶. اصل سی و سوم: «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل موردعلاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.»

۲۷. اصل سی و دوم: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۲۸. اصل بیست و سوم: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای موردتعرض و مؤاخذه قرار داد.»

۲۹. اصل یکصد و شصت و نهم: «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.»

۳۰. اصل سی و ششم: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

۳۱. اصل سی و هفتم: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

۲-۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در قوانین کیفری ایران، با رویکردی دوگانه و متضاد نسبت به کیفر مواجه هستیم. برای مثال در قانون مجازات اسلامی، از طرفی با اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، تعویق و تعلیق مجازات، نظام نیمه‌آزادی، آزادی مشروط و حتی اعمال مجازات‌های تکمیلی، سعی در توجه به شخصیت بزهکار و رویکرد اصلاح‌مدارانه برای بازسازی بزهکاران بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های انسانی شده و از طرف دیگر با اتخاذ برخی از مجازات‌های تعزیری از قبیل انتشار حکم محکومیت قطعی، محرومیت از حقوق اجتماعی، شلاق و ... رویکردی دارد که در نوع خود متعارض با اصلاح و بازسازی فرد محکوم بوده و در ایجاد زمینه‌های تکرار جرم به دلیل عدم لحاظ کرامت انسانی در نوع و کیفیت این مجازات‌ها، بی‌تأثیر نخواهند بود. البته نکته مثبتی که در قانون مجازات اسلامی وجود دارد، قابل‌اعمال بودن مجازات‌های تکمیلی درخصوص بزهکارانی که محکوم به مجازات‌های حدی و قصاص شده‌اند، می‌باشد. در واقع قانونگذار با این اقدام، در مسیر اصلاح و بازپروری بزهکاران محکوم به حد و قصاص نیز گام مؤثری برداشته است.

۲-۳- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰)

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در کنار تحمل کیفر برای مسئله بازسازی و بازپروری بزهکاران اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. برای مثال در ماده ۳، زندان را محلی می‌داند که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به‌منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می‌شوند.

طبق این ماده هدف از اعمال کیفر حبس، علاوه بر تحمیل کیفر بر بزهکار مستحق مجازات، حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی بزهکاران نیز می‌باشد. هدف حرفه‌آموزی در راستای فراهم نمودن شرایط زندگی سالم و بازپروری و بازسازی بزهکاران برای ترمیم زندگی اجتماعی بعد از آزادی از حبس می‌باشد. با توجه به اینکه زندان محل نگهداری بزهکاران محکوم به حبس‌های دارای مدت معین و بزهکاران محکوم به حبس ابد می‌باشد، اجرای برنامه‌های بازسازی و بازپروری نسبت به بزهکارانی که بعد از مدتی آزاد شده و به اجتماع بازخواهند گشت از اهمیت بیشتری نسبت به محبوسان ابد می‌باشد؛ چراکه اگر زندانیان بعد از اتمام مدت حبس اصلاح نشده باشند و روش‌های صحیح زندگی در اجتماع را یاد نگرفته باشند، با همان شخصیت بزهکار و در گاهی موارد با یادگیری ترندهای جدید بزهکاری در زندان وارد اجتماع می‌شوند و احتمال ارتکاب تکرار جرم افزایش خواهد یافت. این اهداف از بندهای ج و ز ماده ۱۸ آیین‌نامه فوق‌الذکر نیز به‌دست می‌آید. طبق ماده ۲۰: «وظایف سازمان به‌شرح زیر می‌باشد: ج - ایجاد زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسات لازم برای نگهداری، بازپروری، حرفه‌آموزی و اشتغال به کار متهمین و

محکومین؛ ز - ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور انجام امور فرهنگی و تربیتی اعم از اصلاح، ارشاد و آموزش زندانیان.»

درخصوص محکومین به حبس ابد نیز لحاظ اصول و کرامت انسانی از ضروریات بوده و این مسئله سلب آزادی دائمی این محکومان، دلیل بر نقض حقوق انسانی و عدم آموزش روش‌های صحیح زندگی نیست؛ چراکه این افراد علاوه بر اینکه خود دارای حقوق انسانی می‌باشند، وجودشان برای خانواده و اطرافیان خود که در خارج از زندان هستند، می‌تواند مفید و مؤثر باشد. به همین علت است که در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تفاوتی بین این افراد از نظر برخورداری از حقوق انسانی قائل نشده‌اند. برای مثال این بزهکاران نیز می‌توانند با کسب شرایط لازم بعد از تحمل حداقل سه سال حبس از مرخصی برای ارتباط با خانواده و اطرافیان خود استفاده کنند. لیکن جداسازی این زندانیان از بزهکاران دیگر با توجه به مدت حبس قابل تحمل و همچنین اهداف بازپروری و بازسازی مفید به نظر می‌رسد؛ زیرا قاعدتاً هدف بازپروری و بازسازی درخصوص محکومانی که موقتاً به واسطه کیفر حبس با سلب آزادی مواجه شده‌اند، اولویت و اهمیت بیشتری خواهد داشت تا محکومانی که امکان بازگشتشان به جامعه به دلیل حبس‌های ابد یا طولانی، غیرممکن و یا بسیار بعید است.

درزمینه پیشگیری از تکرار جرم ماده ۳۹ آیین‌نامه مذکور نیز بر لزوم کاهش ماهانه و سالانه میزان تکرار بزه و افزایش میزان خروجی محکومان، تأکید نموده است و در راستای تحقق این امر، مسئولان واحدهای بازپروری را مکلف به هدفمندسازی کلیه اقدامات، فعالیت‌ها، برنامه‌ها و امکانات مادی و معنوی واحد خود در راستای بازپروری و بازسازی محکومان کرده است. در بندهای دیگر این ماده نیز به بحث بازپروری و بازسازی بزهکاران اشاره شده است که نشان از توجه به شخصیت بزهکاران و اهمیت قائل شدن به کرامت انسانی بزهکاران دارد.^{۳۲} درزمینه پیشگیری از تکرار جرم

۳۲. ماده ۳۹: «از تاریخ تصویب این آیین‌نامه واحدهای فرهنگی - تربیتی زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به «واحد بازپروری» تغییر نام می‌یابند. مسئولان واحدهای بازپروری مکلفند کلیه اقدامات، فعالیت‌ها، برنامه‌ها و امکانات مادی و معنوی واحد خود را به سوی بازپروری و بازسازی محکومان هدفمند سازند به نحوی که نتیجه اقدام‌های آنان کاهش ماهانه و سالانه میزان تکرار بزه و افزایش میزان خروجی محکومان باشد.

افزون بر وظایف مقرر در پست‌های مصوب، مسئولان واحدهای بازپروری موظفند:

۱- برای کلیه فعالیت‌های خود به منظور بازپروری برنامه‌ریزی نموده؛ ضمن تعریف و تعیین اهداف عینی و اختصاصی خود؛ هم‌سو با بازپروری نسبت به تدابیری که مؤثر در اصلاح، بازپروری و بازسازی محکومان با جامعه و نیز کاهش میزان بازگشت محکومان به زندان است، اقدام نمایند؛

۲- کلیه برنامه‌ها و اقدام‌های بازپرورانه واحدهای خود را با محیط زندان یا مراکز محل خدمت، شرایط اقلیمی، فرهنگی و بومی و ویژگی‌های مردم‌شناسانه محکومان همساز و همگرا گردانند؛

۳- آثار برنامه‌ها و فعالیت‌های اجراشده واحد خود بر محکومان و تأثیر پیشرفت آن بر کاهش میزان تکرار بزه را موردارزیابی ماهانه و سالانه قرار دهند و ضمن اصلاح، تعدیل یا حذف برنامه‌های نامناسب؛ برنامه‌های نوین بازپرورانه را جایگزین آن نموده، گزارش‌های ماهانه و سالانه خود را به رئیس زندان یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال محل خدمت و شورای طبقه‌بندی به منظور اتخاذ تصمیم‌های بهتر و مناسب‌تر ارسال نمایند

←

توسط محکومان به حبس، بند ک ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰، صراحتاً یکی از وظایف سازمان زندان‌ها را تهیه آمار و اطلاعات موردنیاز جهت شناخت روش‌های پیشگیری از وقوع جرایم و بررسی علل و انگیزه‌های ارتکاب آن و ارائه به رؤسای قوای سه‌گانه برشمرده بود اما این بند در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ ذیل ماده ۱۸ به «تهیه آمار و اطلاعات موردنیاز از محکومان و متهمان تحت نظارت به روش‌های علمی به‌منظور استفاده در امور اجرایی، سیاست‌گذاری‌ها و مطالعات کیفرشناسانه و انتشار آنها به‌صورت سالنامه آماری کیفری» تغییر شکل داده است. این تغییر شکل با یک نگاه عام و رویکردی کلی توأم بوده است؛ به عبارت دیگر امور اجرایی، سیاست‌گذاری‌ها و مطالعات کیفرشناسانه نه‌تنها پیشگیری از تکرار جرم به‌طور کلی را دربرمی‌گیرد بلکه بر موضوعات دیگر از قبیل تأثیر به‌کارگیری رویکردهای کرامت‌مدار یا غیرکرامت‌مدار در نوع و کیفیت واکنش نسبت به رفتار مجرمانه و بزهدکار در کاهش یا افزایش جرم یا تکرار آن نیز تأکید می‌کند.

در ماده ۴۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ نیز به‌منظور توسعه و ترویج مبانی و موازین حقوق شهروندی در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مؤسسه‌های تحت نظر سازمان، دفتری به نام «دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان» تشکیل شده است. از جمله وظایف این دفتر مطالعه، بررسی و پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و اعلام آن به رئیس سازمان و همکاری مستمر و نظام‌مند با هیئت نظارت بر اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ستاد حقوق بشر قوه قضائیه و سایر نهادهای حقوق بشری پس از هماهنگی با رئیس سازمان می‌باشد که به‌نظر می‌رسد در جهت حفظ حقوق شهروندی و کرامت انسانی بزهدکاران می‌تواند مفید واقع شود. این دفتر زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد که به‌نظر می‌رسد در صورت مستقل بودن می‌توانست نقش مؤثرتری داشته باشد چراکه دفاتر این‌چنینی باید به شکل نهادهای مستقل تأسیس شوند تا توان نقد و رسیدگی بیشتری را در موارد لزوم داشته باشند.

در زمینه تأکید بر عدم رفتارهای غیرکرامت‌مدار با محکومان، ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ مقرر کرده است که تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی متهمان و محکومان و اعمال تنبیه‌های خشن، مشقت‌بار و موهن در مؤسسه‌ها و زندان‌ها به‌کلی ممنوع است؛ طبق این قسمت، در واقع تحقیر شخصیتی و اعمال تنبیه‌های خشن بدنی در راستای تلاش برای حفظ کرامت انسانی بزهدکاران و محکومان، ممنوع اعلام شده است.

تبصره - گزارش‌های سالانه یادشده هر سال توسط مدیران کل استان‌ها مربوط به‌منظور بهینه‌سازی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به معاونت بازپروری سازمان تسلیم خواهند شد. معاونت یادشده مکلف به مطالعه کارشناسانه، برنامه‌ریزی و ابلاغ برنامه‌های بهینه‌ساخته به واحدهای بازپروری می‌باشد.»

به صورت کلی از اقداماتی که در جهت برخورد کرامت‌مدار با بزهکاران و جلوگیری از تکرار جرم در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی آمده است، می‌توان به «راه‌اندازی مراکز روان‌شناختی توحیدی در زندان‌ها، تقویت انجمن حمایت از زندانیان استان در راستای کمک به زندانی و خانواده زندانیان در حین تحمل کیفر، آزادی زندانیان از طریق ستاد دیده در استان در راستای کاهش آسیب به خانواده‌های زندانیان، راه‌اندازی مراکز درمانی سوءمصرف مواد مخدر (متادون درمانی) در زندان‌ها و همچنین کلینیک مراکز مراقبت بعد از خروج، ایجاد اشتغال برای زندانیان در حین تحمل کیفر در محیط زندان از طریق بنیاد تعاون حرفه‌آموزی صنایع زندان، ایجاد اشتغال برای زندانیان در حال تحمل کیفر در خارج از زندان از طریق بنیاد تعاون و حرفه‌آموزی صنایع زندان، ایجاد اشتغال برای زندانیان در حال تحمل کیفر در خارج از زندان به صورت رأی باز از طریق بنیاد تعاون، اعطای مرخصی به زندانیان واجد شرایط به منظور پیگیری وضعیت قضایی و همچنین کاهش آسیب به خانواده‌ها، برگزاری کلاس‌های اخلاقی، دینی، مذهبی، اشتغال و حرفه‌آموزی و ... اشاره کرد.»^{۳۳}

۲-۴- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳

بند ۴ ماده واحده احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ بر رعایت موازین اخلاقی و اسلامی با مرتکبان جرایم تأکید نموده و رعایت و اجرای آن را برای کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه در انجام وظایف قانونی خویش، تکلیف کرده است.

همچنین، مباحثی از جمله ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان در جریان دستگیری و بازجویی یا استتلاّع و تحقیق (بند ۶)، پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام‌های خلاف قانون از سوی بازجویان و مأموران تحقیق (بند ۷)، منع تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیائی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها، نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها در بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم (بند ۸)، منع شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر (بند ۹)، منع کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده (بند ۱۱)، منع دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان (بند ۱۴)، در این قانون به عنوان الزام و تکلیف مطرح شده است که نه تنها بر موازین و رویکردهای کرامت‌مدار تأکید دارد بلکه در کاهش زمینه‌های مؤثر در ارتکاب مجدد جرم از سوی بزهکار نیز تأثیرگذار است.

۳۳. قهرمانی، «پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم»، ۱۱.

۳- آثار اعمال مجازات‌های مبتنی بر رفتار کرامت‌مدار در پیشگیری از تکرار

جرم

تأثیر انواع مجازات‌ها و کیفیت اجرای آنها در افزایش یا کاهش زمینه‌های تکرار رفتار مجرمانه، غیرقابل انکار است. بدیهی است که حس بیگانگی، کینه و حتی نگاه دشمن‌مدارانه به جامعه در نتیجه اجرای مجازات‌های تریبی - تزدیلی و کیفرهایی است که بسترهای بازاجتماعی شدن بزهکاران را در معرض خطر قرار می‌دهند. کیفرهایی که با پررنگ‌تر کردن و یا غالب کردن شرم‌طردکننده (به‌جای شرم بازگرداننده) راه را برای بازگرداندن بزهکار به اجتماع و تلاش برای ادغام شدن در جامعه از سوی وی می‌بندند و به عبارت دیگر فاقد ابزارهای تشویقی و بازپرورانه هستند. علت عمده این نتایج نیز در تعارض بودن این نوع مجازات‌ها و یا کیفیت اجرای آنها با مضامین کرامت انسانی و به چالش کشیدن شخصیت و کرامت بزهکار در بستر اجتماعی است که بزهکار قرار است مجدداً به آن بازگردد.

در این مبحث، پس از پرداختن به برخی از مجازات‌های ناقض کرامت انسانی بزهکاران در قانون مجازات اسلامی و انواع آن (۳-۱)، به جایگاه رویکرد کرامت‌مدار در اعمال مجازات و پیشگیری از تکرار جرم از منظر آموزه‌های جرم‌شناختی (۳-۲) پرداخته خواهد شد.

۳-۱- مجازات‌های ناقض کرامت انسانی بزهکاران در قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲

کیفر حبس، مجازات‌های بدنی، انتشار حکم قطعی محکومیت در رسانه‌ها و محرومیت از حقوق اجتماعی به‌رغم بازدارندگی از ارتکاب جرم (به‌طور عام و خاص) از جمله کیفرهای ناقض کرامت انسانی هستند که در ماده ۱۹ ق.م.ا.پیش‌بینی شده‌اند. تأثیر اعمال این مجازات‌ها در فراهم کردن زمینه‌های تکرار جرم از سوی بزهکار در این گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱- کیفر حبس

حداقل اثر محرومیت از آزادی، قطع رابطه محکوم به مجازات سالب آزادی با زندگی اجتماعی و خانوادگی عادی، کار و دوستانش می‌شود. زندانیان رفته‌رفته در محیط زندان رفتار خشونت‌آمیز را به‌عنوان امری عادی می‌پذیرند و حتی ممکن است نسبت به شهروندان معمولی کینه پیدا کنند. محیط زندان، عادات و نگرش‌های جدیدی به بزهکار می‌دهد به‌طوری‌که به‌جای بازپروری و بالا رفتن سازگاری وی با جامعه، جدایی و شکاف بین بزهکار و جامعه افزایش می‌یابد. بزهکاران در تماس با بزهکاران بدسابقه و شرور، مهارت‌های جدید ارتکاب جرم را آموخته و کسب می‌کنند و راه‌های جدید گریز از مجازات را می‌آموزند و در صورتی که پس از آزادی و خروج از زندان تحت نظارت و حمایت سازمان یا نهاد قانونی قرار نگیرند، به‌واسطه داشتن سوءسابقه در برخی موارد^{۳۴} امکان

۳۴. ماده ۲۵: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت ←

دسترسی به کار مناسب را نخواهند داشت و در نتیجه عدم دسترسی به مسکن و سرپناه و ناتوانی در برآوردن نیازهای اولیه، احتمال تکرار جرم و بازگشت به زندان در چنین وضعیتی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در برخی موارد از طریق حبس سعی در «قابلیت‌زدایی» از بزهکاران برای ارتکاب دوباره جرم می‌شود. درست است که بزهکار تا زمانی که در حبس به سر می‌برد از تعرض به جامعه عاجز بوده و اجتماع از گزند وی در امان است لیکن این امنیت موقتی می‌باشد، چراکه نگهداری همیشگی بزهکار در زندان نه تنها برخلاف اصل تناسب مجازات‌هاست بلکه هزینه زیادی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. در واقع می‌توان گفت «اهداف دوگانه‌ای که برای مجازات زندان منظور می‌شود، یعنی زندان برای مجازات و زندان همچون شیوه اصلاحی، به ندرت با یکدیگر جمع شده‌اند، چراکه زندان، به دلیل ساختارش، معمولاً غیر عادلانه با زندانی رفتار می‌کند و در نهایت، موجب افزایش کینه زندانی نسبت به عدالت و قانون می‌شود و حتی ممکن است موجب بیگانگی بیشتر فرد با جامعه و در نتیجه مقدمات افزایش ارتکاب جرم فزایش ارتکاب جرم شود.»^{۳۵}

باید در نظر داشت که تمدید مدت زمان‌های حبس و اعمال حبس‌های بلامدت، در جهت اصلاح بزهکاران نیست بلکه در جهت مانع ارتکاب جرم شدن و قرار دادن بزهکار در شرایطی است که توان ارتکاب جرم را از وی سلب کنند و این یعنی نادیده گرفتن کرامت انسانی و قربانی کردن بزهکار در مقابل اجتماع با نداشتن برنامه مشخص جهت اصلاح و بازپروری بزهکار و در نتیجه افزایش جمعیت کیفری و تحمیل مالیات‌های بیشتر بر دوش شهروندان دیگر که به هیچ‌وجه در طول عمر خود با دستگاه قضایی برخورد نداشته‌اند؛ بنابراین لازم است که از مدت زمان حبس به نحو احسن استفاده شود تا با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی در چهارچوب کرامت انسانی، فرد بزهکار را اصلاح و برای وارد شدن به زندگی اجتماعی آماده کرد و البته برای نیل به این هدف لازم است علل ارتکاب جرم بررسی و مرتفع گردد تا زمینه آماده‌سازی فرد برای ورود به اجتماع مهیا گردد. در نهایت، باتوجه به آثار منفی مجازات سالب آزادی در تکرار جرم توسط محکومین به حبس، رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با تأسیس نهادهایی از قبیل مجازات‌های جایگزین

زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف - هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛

ب - سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار؛

پ - دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج؛

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات؛

تبصره ۲- در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.»

۳۵. عبدی، «مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم»، ۷۹.

حبس (مواد ۶۴ تا ۸۷) نظام نیمه‌آزادی (مواد ۵۶ و ۵۷)، معافیت از کیفر (ماده ۳۹)، تعویق صدور حکم (مواد ۴۰ تا ۴۵)، نظارت الکترونیکی محکومین به حبس در خارج از زندان (ماده ۶۲) و ... گویای نوعی رویکرد کرامت‌مدارانه در خصوص محکومین به کیفر حبس و پیشگیری از زمینه‌های تکرار جرم از طریق اجرای مجازات سالب آزادی می‌باشد.

۳-۱-۲- مجازات‌های بدنی

همان‌طور که قبلاً ذکر شد مجازات‌ها در برخی موارد با ایجاد حس بیگانگی در بزهکاران و کینه نسبت به قانون و عدالت و به‌صورت کلی جامعه بازگشت بزهکار به جامعه و زندگی اجتماعی را با مشکل مواجه می‌کند. این مقوله به‌خصوص در مجازات‌های بدنی صدق بیشتری دارد. این نوع مجازات‌ها با زدن برچسب بزهکارانه به فرد، بازگشت وی به اجتماع را سخت‌تر می‌کنند. برخی از این برچسب‌ها با تغییر محیط یا محل زندگی نیز قابل‌رفع نیستند.

شلاق، یکی از شایع‌ترین مجازات‌های بدنی است که طبق ماده ۱۹ ق.م.ا جزء مجازات‌های درجه ۶ تا ۸ (۱ تا ۷۴ ضربه) می‌باشد. آثار روانی و روحی ناشی از اجرای مجازات شلاق، به‌عنوان مجازاتی که بر جسم و بدن بزهکار فرود آمده و تعارض آن با کرامت انسانی و تأثیری که بر ارتکاب مجدد جرم از سوی محکوم دارد بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا مخاطب این نوع کیفر بدنی با ارتکاب جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ و با احساس بیگانگی میان خود و جامعه، دچار سرخوردگی شده و با کینه ناشی از آلام روحی - روانی و جسمی این کیفر بدنی و با انگیزه انتقام و برنامه بیشتری به تکرار جرم روی خواهد آورد.

در این زمینه و به‌عنوان مثال در خصوص تصویب قانون مجازات گران‌فروشی مصوب ۱۳۲۲ که طبق آن پیشه‌وران و صاحبان میهمان‌خانه‌ها، رستوران، اغذیه‌فروشی‌ها و فروشندگانی که کالای خود را گران‌تر از نرخی که دولت یا شهرداری معین می‌نماید به فروش می‌رسانند یا به‌منظور گران‌فروشی و تخلف از نرخ مقرر از فروش خودداری کنند یا کالای خود را در دکان یا مغازه یا خانه یا جای دیگر پنهان کرده و مخفیانه بفروشند یا ظاهراً با نرخ معمولی و باطناً با نرخ گران‌تر از نرخ مقرر به فروش برسانند یا از وزن مقرر کمتر بفروشند یا به‌واسطه داخل کردن مواد خارجی در کالا تقلب کنند، برای دفعه اول پنجاه الی دویست ضربه شلاق که از روزی پنجاه ضربه تجاوز ننماید یا به ۱۱ روز الی سه ماه حبس تأدیبی یا به ۲۰۱ الی یک‌هزار ریال غرامت محکوم می‌شوند و در صورت ارتکاب مجدد به حداکثر کیفر شلاق و یکی از کیفرهای دیگر مقرر در این قانون و به محرومیت از شغل خود از یک ماه تا سه ماه محکوم می‌گردند و به‌علاوه محل کسب آنها (به‌استثنای نانواپی و قصابی) از یک ماه تا سه ماه تعطیل می‌شود؛ برخی از نویسندگان ادعان کرده‌اند که «اجرای مجازات شلاق درباره فروشندگان موجب عصیانیت و عصیان آنان گردیده و همین اثر روحی که در آنان باقی می‌گذارد، سبب شده است که اولاً به‌عمل گران‌فروشی خاصه در مورد فقرا و اشخاصی که احتمال شکایت از طرف آنان نمی‌رود ادامه دهند - و ثانیاً - برای رفع شرشاکیان و بازرسان با مأمورین و مقامات مؤثر در این مورد کنار آیند. بدیهی است که در چنین شرایطی فروشندگان آزادی عمل بیشتری به‌دست آورده

و برای جبران زیان‌هایی که در راه تحصیل موافقت به آنها توجه نموده، اجناس را به مراتب گران‌تر از نرخ روز مقرر به فروش می‌رسانند.^{۳۶} بدین ترتیب مشاهده می‌شود که اجرای مجازات شلاق در زمان تصویب این قانون نسبت به فروشندگان و پیشه‌وران برای ارتکاب جرم گران‌فروشی نه تنها آنها را در تکرار عمل گران‌فروشی ترغیب کرده است بلکه زمینه‌های ارتکاب سایر جرایم از جمله رشا و ارتشا را نیز فراهم نموده است.

بنابراین، از آنجایی که آثار سرخوردگی ناشی از اجرای مجازات‌های بدنی از جمله شلاق به دلیل تعارض با کرامت انسانی و ایجاد بیگانگی در بزهکار، احتمال افزایش میل و گرایش به سمت بزهکاری را فراهم می‌آورد، نباید از اثر معکوس اجرای این قبیل مجازات‌ها در افزایش تکرار جرم و پیشگیری از آن غافل شد.

۳-۱-۳- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها (روزنامه‌های محلی یا ملی یا کثیرالانتشار)

این نوع مجازات که طبق ماده ۱۹ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲، نوعی مجازات درجه ۶ محسوب شده و گرچه در نوع خود دارای حدی از بازدارندگی می‌باشند اما در هر حال انتشار حکم و مشخصات بزهکار از جهاتی، ناقض کرامت انسانی وی بوده و ممکن است منجر به تکرار جرم از سوی بزهکار گردد؛ محکومیت^{۳۷}، عملاً بزهکار از سوی تعداد کثیری از افراد جامعه ملقب به برچسب بزهکارانه خواهد شد و قطعاً اولین و مهم‌ترین اثر مجازات‌های کمانه‌ای ناشی از دید شهروندان به‌عنوان بزهکار به او و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... خود و خانواده‌اش منجر به احساس بیگانگی با

۳۶. فرنیاء، «مجازات شلاق از نظر قضایی و اجتماعی»، ۴۸.

۳۷. ماده ۳۶: «حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

تبصره - انتشار حکم محکومیت قطعی در جرایم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف - رشاء و ارتشاء؛

ب - اختلاس؛

پ - اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری؛

ت - مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری؛

ث - تبانی در معاملات دولتی؛

ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛

چ - تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت؛

ح - جرایم گمرکی؛

خ - قاچاق کالا و ارز؛

د - جرایم مالیاتی؛

ذ - پولشویی؛

ر - اخلال در نظام اقتصادی کشور؛

ز - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

جامعه، طرد از زندگی اجتماعی، ناامیدی در بازگشت و ادغام در اجتماع و در نهایت میل به کناره‌گیری و ارتکاب مجدد رفتارهای ناقض قانون خواهد بود.

۳-۱-۴- محرومیت از حقوق اجتماعی

محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال، شش ماه تا پنج سال و تا شش ماه بر اساس ماده ۱۹ ق.م.ا، به ترتیب جزء مجازات‌های تعزیری ۵، ۶ و ۷ محسوب می‌شوند. حقوق اجتماعی به تصریح ماده ۲۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ در ۱۲ بند مشخص شده است. هرچند تعیین مجازات تعزیری به‌عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی، واجد آثار بازدارندگی می‌باشد اما نباید از آثار منفی این دسته از مجازات‌ها بر تکرار جرم از سوی بزهکار غافل شد. به‌ویژه در خصوص تبصره ۱ این ماده که در خصوص مستخدمان دستگاه‌های حکومتی اذعان داشته است که در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به‌عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند. این انفصال از خدمت از آنجایی که با امکان افزایش دلیل انفصال از خدمت و تحت‌الشعاع قرار دادن زندگی و جایگاه اجتماعی فرد در دستگاه حکومتی از یک سو و تزلزل موقعیت اقتصادی از سوی دیگر، زمینه‌های تکرار جرم برای فرد را فراهم خواهد کرد، زیرا در این تبصره و در بسیاری از موارد محرومیت از حقوق اجتماعی از قبیل استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و ... و یا اشتغال به‌عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری، انگیزه بازاجتماعی شدن، جذب و اصلاح بزهکار را کاهش داده و بعضاً با ایجاد مشکلاتی از قبیل مشکلات اقتصادی و یا ایجاد عقده و سرخوردگی اجتماعی شرایط تکرار جرم برای فرد را ایجاد خواهند کرد.

۳-۲- جایگاه رویکرد کرامت‌مدار در اعمال مجازات و پیشگیری از تکرار جرم از منظر آموزه‌های جرم‌شناختی

رفتارهایی که در طول تحمیل مجازات با بزهکار صورت می‌گیرد برای همیشه در خاطر او خواهد ماند. این رفتارها هرچه که باشند، در ادامه زندگی هر بزهکاری قاعدتاً نقش مهمی را خواهند داشت. حال هرچه این رفتارها هدفمند و برنامه‌ریزی شده و باتوجه‌به توانایی‌ها و استعداد‌های بزهکار باشد و سعی در رفع مشکلات (جسمی، روانی، اجتماعی، مالی و ...) کند در واقع بزهکار را از نوعی بیماری که به آن مبتلا بوده است، رهایی خواهد داد و بعد از تحمیل کیفر، یک فرد سالم وارد اجتماع خواهد شد. در واقع با متوسل شدن به کیفر از ارتکاب دوباره جرم پیشگیری خواهد شد. به‌صورت کلی منظور از پیشگیری کیفری، هدفی است که قانونگذاران با اعمال مجازات نسبت به بزهکاران به‌طور عام و تشدید آن نسبت به بزهکاران مکرر به‌طور خاص، تعقیب می‌نمایند و امیدوارند با تحمیل مجازات از ارتکاب بعدی جرایم توسط این بزهکاران جلوگیری به‌عمل آید. لذا باید توجه داشت که ارتکاب جرم توجیه‌کننده برخوردهای خودسرانه و توسل به هر طریق برای کنترل بزهکاران نمی‌باشد چراکه فرد بزهکار نیز یکی از شهروندان یا افراد جامعه انسانی است که دارای حقوق و کرامت انسانی می‌باشد،

لذا در تحمیل مجازات‌ها باید اصول اعمال مجازات‌ها از جمله اصل تناسب جرم و مجازات، اهمیت جرم ارتكابی، نوع جرم ارتكابی، خصوصیات شخصیتی بزه‌کار و حتی تقصیر بزه‌دیده مورد توجه باشد. لذا صرف در نظر گرفتن اهداف کیفرشناختی یعنی تنبیه و اصلاح بزه‌کار، پیشگیری عمومی و خصوصی و تأمین دفاع اجتماعی منجر به استفاده ابزاری از انسان و نقض حیثیت و کرامت ذاتی وی خواهد شد که در قالب مجازات‌های نامتناسب اعمال می‌شوند.^{۳۸}

از طرف دیگر باید گفت که «اصلاح بزه‌کاران یا هم‌نوا کردن دوباره آنها با هنجارهای اجتماعی و قانونی به موجب اصول جرم‌شناسی کاربردی (جرم‌شناسی بالینی) مقید به رعایت اخلاق جرم‌شناسی است.»^{۳۹} به عبارت دیگر، نهادهای عدالت کیفری در راستای گام برداشتن در مسیر اصلاحی و بازپروری بزه‌کاران، دارای اختیارات بی‌حدومرزی نیستند و واکنش آنها در برابر بزه‌کاران باید مقید به رعایت اخلاق حرفه‌ای مرتبط باشد. بدین ترتیب همان‌طور که گفته شده است «رعایت اصول اجرای مجازات‌ها و توجه به کرامت ذاتی و جایگاه انسانی محکومان، پرهیز از تحقیر شخصیت افراد، به‌کارگیری روش‌ها و سیاست‌ها و راهکارهای بازپروری، مشاوره درمانی، گروه‌درمانی، تقویت مراکز اصلاح و تربیت، تقویت امکانات و تجهیزات زندان‌ها، به‌کارگیری نیروهای انسانی تربیت‌گرا در کادرهای مختلف زندان، نظارت پس از آزادی، حمایت مادی و معنوی از افراد آزادشده، حمایت و تشویق جهت اصلاح در زندان از جمله امور مربوط به مسائل پس از وقوع جرم می‌باشد.»^{۴۰}

به‌طور کلی اقدام‌هایی که پس از ارتکاب جرم نسبت به بزه‌کاران اعمال می‌شوند، جنبه اخلاقی و اصلاحی دارند. بزه‌کار از یک‌سو باید مکافات عمل خود را دیده و متنبه شود (طرد و خنثی‌سازی) و از سوی دیگر برای تقویت پیشگیری از تکرار جرم باید اجرای مجازات - به‌ویژه حبس - فرصتی جهت اصلاح، درمان و درنهایت نجات بزه‌کار از دنیای تبه‌کاری باشد (بازپروری). کارکرد اخیر با تولد جرم‌شناسی و گسترش پژوهش‌ها و مطالعات علمی راجع به جرم، کیفر و آثار آن بیشتر مورد تأکید جرم‌شناسان، حقوق‌دانان و در نتیجه قانونگذاران قرار گرفته و از همه مهم‌تر، به متنوع شدن ضمانت‌اجراهای کیفری (اقدامات تأمینی، مجازات‌های اجتماعی و ...) منجر شده است. برخی از کیفرهای بدنی همانند شلاق، قطع اعضاء و اعدام حذف شده و در دسته دیگری از مجازات‌های جرح و تعدیل صورت گرفته است (حبس‌زدایی مطلق یا نسبی). فردی یا شخصی کردن مجازات و شیوه‌ها و سازکارهای آن که در جهت تقویت کارایی رسالت بازپرورانه ضمانت‌اجراهای کیفری است، امروز به‌صورت یک اصل در قوانین کیفری به‌صراحت پیش‌بینی می‌شود (آزادی مشروط، تعلیق ساده، تعلیق آزمایشی، تعلیق آزمایشی همراه با تکلیف به انجام کار، تعویق ساده یا مشروط صدور حکم و ...) ^{۴۱}

در این قسمت به برخی از نظریات جرم‌شناختی مرتبط با رویکرد کرامت‌مدار در اعمال مجازات و

۳۸. رحیمی‌نژاد، «مجازات‌های نامتناسب، مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی»، ۱۲۴.

۳۹. نجفی ابرنآبادی، پیشگیری عادلانه، ۵۹۰.

۴۰. قهرمانی، «پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم»، ۱۲.

۴۱. بولک، «زندان، درمانگاه بزه‌کاری و بزه‌کاران؟»، ۱۵۲-۱۴۷.

تأثیر آن در پیشگیری از تکرار جرم و انعکاس آنها در قوانین کیفری ایران، اشاره می‌شود. آموزه‌های نظریه برچسب‌زنی (ذیل نظریه جرم‌شناسی واکنش اجتماعی) و عدالت ترمیمی و شرم بازگرداننده (ذیل نظریه جمهوری خواه) از جمله این موارد هستند.

۳-۲-۱- نظریه برچسب‌زنی

نظریه برچسب‌زنی^{۴۲} تحت تأثیر جرم‌شناسی واکنش اجتماعی^{۴۳} و در انتقاد به عملکرد نهادهای عدالت کیفری در سوق دادن افراد به ارتکاب جرم و یا تکرار آن تبیین گردید. طبق این نظر درگیر کردن افراد در فرایند عدالت کیفری به‌عنوان مظنون، متهم یا محکوم، اهرمی تأثیرگذار در سوق دادن آنها به ارتکاب جرم یا تکرار آن است. درخصوص محکومیت‌های کیفری، بزهکار در کنار برچسب مجرمانه و اجرای کیفر با آثار ناشی از آنها نیز مواجه می‌شود که مهم‌ترین آنها آثار کمانه‌ای مجازات‌ها به‌ویژه کیفر حبس است.

بدین ترتیب، بازدارندگی و تأثیر این رویکرد در کاهش تکرار جرم و پیشگیری از آن در رابطه با تقلیل آثار کمانه‌ای مجازات‌ها و پیشگیری از آن قابل توجه است، چراکه در بسیاری از موارد آنچه بیش‌تر از خود مجازات دامن‌گیر بزهکار می‌شود، آثار کمانه‌ای مجازات است که تأثیر بسزائی در کاهش یا افزایش زمینه‌های ارتکاب مجدد عمل بزهکارانه را فراهم می‌کند. نوع نگاه اطرافیان و جامعه محلی در برخورد با فرد بزهکار و تحمیل آثار ناشی از برچسب مجرمانه خوردن در طردکنندگی، بازگرداندگی و ادغام بزهکار در جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ زیرا این مسائل مستقیماً ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی بزهکار محکوم را تحت‌الشعاع قرار داده و در تعیین نوع رفتار و واکنش او به آنها تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، در صورتی که یک محکوم به کیفر حبس بعد از اتمام مجازات به جامعه بازگشته و درصدد یافتن شغل یا تشکیل خانواده برآید، برچسب زندانی بودن، بزهکار بودن و محکومیت کیفری ممکن است در بسیاری موارد سایر افراد جامعه را از اعتماد کردن به وی بازدارد و ادغام مجدد او در بستر زندگی اجتماعی را مختل کند. نتیجه این امر در بسیاری از موارد انزوای فرد و گرایش وی به ارتکاب مجدد جرم خواهد بود.

در این زمینه اعاده حیثیت و رفع آثار تبعی برخی از محکومیت‌های کیفری پس از گذشتن مواعد مشخص‌شده مندرج در قانون مجازات اسلامی را می‌توان گامی محسوب کرد در راستای کاهش و یا رفع آثار برچسب‌زنی بر بزهکاران محکوم و فراهم نمودن شرایط مساعد ادغام و بازاجتماعی شدن آنها در جامعه. طبق ماده ۲۵ ق.م.ا، محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت‌های هفت سال در مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی، سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت واردشده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار و دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت واردشده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن

42. Stigmatization

43. Social Reaction Criminology

باشد و حبس درجه پنجم، محکوم را از حقوق اجتماعی مقرر در ماده ۲۶ به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند که البته محکومان موضوع این ماده، پس از گذشت مواعد مقرر هفت، سه و دوساله، اعاده حیثیت می‌شوند و آثار تبعی محکومیت آنها زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می‌شود (تبصره ۲ ماده ۲۶).

هدف این تأسیس در ق.م.ا به‌ویژه در تبصره ۱ ماده ۲۵ و در خصوص محکومیت‌های کیفری غیر موارد مندرج در ماده اخیرالذکر قابل توجه است؛ زیرا طبق این تبصره، در محکومیت‌های کیفری غیر موارد مندرج در بندهای سه‌گانه ماده ۲۵ (مثل حبس‌های درجه شش، هفت و هشت، شلاق تعزیری، جزای نقدی و ...) مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات. در واقع همین عدم انعکاس و درج برخی از محکومیت‌های کیفری خود گواهی است بر تلاش مقنن در جهت رفع آثار کمانه‌ای مجازات‌ها و محکومیت‌ها که یک اثر مهم آن را می‌توان در مورد پیشگیری از تکرار جرم بزهکاران محکوم تبیین نمود.

۳-۲-۲- نظریه جمهوری خواه عدالت ترمیمی و شرم بازگرداننده

باتوجه به مطالبی که ارائه گردید، می‌توان بین نقض کرامت انسانی و تکرار جرم رابطه‌ای به این صورت برقرار کرد که هرچه در مسیر بازاجتماعی کردن بزهکاران، به جنبه‌های اصلاحی و ترمیم خسارات حاصل از جرم پرداخته و از اعمال خشونت و نقض کرامت انسانی بزهکار کاسته شود، احتمال تکرار جرم نیز کاهش خواهد یافت. مضمون غلبه شرم بازگردانندگی مجازات‌ها به جای شرم طردکنندگی که در برخی نظریات جرم‌شناسی معاصر مطرح شده است، گویای همین امر است. برث ویت از نظریه‌پردازان نظریه جمهوری خواه برای آنکه نشان دهد که نظریه او چگونه از پیامدهای منفی شرم به دور مانده است، مفاد نظریه برچسب‌زنی را بدین شکل نقد کرده که زمانی که فردی «بد» نامیده می‌شود وجود همین نام بد می‌تواند به بد شدن وی بینجامد و اینکه سرانجام دو گونه برخورد متمایز را باید تفکیک کرد: الف) بدنامی که احتمال تکرار جرم را از سوی کنشگر شرمسار افزایش می‌دهد؛ و ب) شرم بازگرداننده.^{۴۴} بدین ترتیب، نظریه جمهوری خواه با نقد بدنامی و شرم طردکننده درصدد فراهم کردن شرایط بازگشت بزهکار به جامعه برمی‌آید.

صاحب‌نظران جرم‌شناسی جمهوری خواه بر این باورند که یک تعادل بازگرداننده در یک فرایند ترمیمی، باید برقرار گردد که در آن، بزه‌دیده، بزهکار و جامعه، در نظر گرفته شوند. انتقادات بر این جنبه‌های عدالت کیفری سزادهی (برچسب‌خوردگی، آثار کمانه‌ای مجازات‌ها، ناکارآمدی در کاهش تکرار جرم و ...) منجر به تبیین آموزه‌های عدالت ترمیمی در نظریه جمهوری خواه گردید. طبق آموزه‌های نظریه جمهوری خواه عدالت ترمیمی، بزهکار را متعهد می‌کند که ضمن پذیرش مسئولیت مستقیم اعمال خود، اقداماتی را جهت رفع مسائل ناشی از آن انجام دهد و جرم را اقدامی علیه فردی

۴۴. وایت و هینز، جرم و جرم‌شناسی، ۳۳۹-۳۳۷.

دیگر و نه اقدامی علیه دولت متمرکز می‌داند. به عبارت دیگر، جامعه را تشویق می‌نماید که به‌طور مستقیم، جهت حمایت از بزهدیدگان، وارد عمل شده، بزهدکار را پاسخگو شناخته و فرصت‌هایی را برای او، جهت بازگشت به اجتماع، فراهم نماید. علاوه بر آن، عدالت ترمیمی، ناظر به ارتباط میان بزهدکار، بزهدیده و جامعه محلی است که بدین ترتیب، به‌طور کامل، به بزهدیده توجه نموده و بر حل و فصل اختلافات، با استفاده از روش‌های غیر خصمانه، تأکید دارد؛ زیرا حل و فصل اختلافات، مؤثرترین ابزار جهت تضمین این امر است که متعاقب این امر، خشونت بروز نخواهد کرد و این شانس را به بزهدیده و بزهدکار می‌دهد که رودررو، با هم مواجه شوند و با پشت سر گذاشتن گذشته‌شان، به سمت حصول توافقی عادلانه، قدم بردارند.^{۴۵} آموزه‌هایی که امروزه تحت عنوان میانجی‌گری در رسیدگی به برخی جرایم و حل و فصل برخی اختلافات مطرح می‌شود نیز تحت تأثیر عدالت ترمیمی در این حوزه باید مورد توجه قرار بگیرند. در حوزه انعکاس این آموزه‌ها در قوانین داخلی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه قابل توجه است.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص تعیین تکلیف راجع به تعقیب برخی جرایم تعزیری به این مسئله توجه نموده است. طبق این قانون، در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزهدیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند (ماده ۸۱). بدیهی است که طبق این ماده جبران خسارت بزهدیده یا دادن ترتیب پرداخت آن در مدت مشخص با موافقت بزهدیده یکی از شروط اساسی صدور قرار تعلیق تعقیب است.

همچنین این قانون در خصوص حصول توافق و میانجی‌گری میان بزهدیده و بزهدکار مقرر داشته که «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزهدیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یکبار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. همچنین، در ادامه این ماده آمده است که در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی

دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین، در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.» (ماده ۸۲)

نتیجه

۱- با توجه به مطالب گفته شده در بالا می‌توان اشاره کرد که کرامت ذاتی انسانی برخلاف کرامت اکتسابی به هیچ‌وجه قابل سلب نمی‌باشد و همچنین سلب کرامت اکتسابی بزهکاران باید متناسب با اصول اعمال مجازات‌ها به‌ویژه اصل تناسب مجازات و رفتار بزهکارانه باشد؛

۲- انجام فعل بزهکارانه توسط یک شخص نباید توجیهی برای اعمال مجازات‌های خودسرانه و خلاف کرامت انسانی باشد. چراکه همین فرد بزهکار نیز تا قبل از ارتکاب جرم یک شهروند عادی محسوب می‌شده است و بعد از ارتکاب جرم نیز دارای حقوق شهروندی می‌باشد لیکن باید متناسب با جرم انجام‌یافته و درجهت اصلاح و بازسازی، مجازات شود؛

۳- همان‌طور که گفته شد تشدید کیفرها سنتی‌ترین واکنش اجتماع در برابر ارتکاب جرم می‌باشد که با شکست مواجه شده است. تشدید کیفرها و نقض‌های کرامت انسانی آمار جرایم را کاهش نخواهد داد بلکه با ایجاد کینه و حس بیگانگی در افراد نسبت به قانون و عدالت احتمال تکرار جرم را افزایش خواهد داد؛

۴- قانونگذار باید در تصویب قوانین و مقررات هدف غایی را معطوف به شخصیت انسانی بزهکار کند و از اعمال مجازات‌های خلاف کرامت انسانی برای تأمین امنیت اجتماعی از جمله تشدید ناروای کیفرها، اعدام، حبس‌های بلامدت و مجازات‌های بدنی دوری کند چراکه این نوع رفتارها اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت با سرکوب بزهکاران موفق جلوه‌گر شود لیکن در درازمدت اعتماد جامعه را نسبت به قانون و عدالت کمرنگ‌تر می‌کند و باعث ایجاد حس بیگانگی و کینه و بدبینی در شخص بزهکار و دیگر افراد جامعه انسانی می‌شود. چه بسا که در برخی موارد باعث تکرار جرم با انگیزه انتقام از سیستم عدالت کیفری نیز می‌شود؛

۵- بدیهی است که اگر صرفاً به دنبال اعمال مجازات به بزهکار باشیم به این صورت که از تربیت و اصلاح وی غافل شویم و مجازات‌ها را با هدف ترهیب یا خوار کردن بزهکار بر وی بار کنیم احتمال تکرار جرم بیشتر خواهد شد، چراکه بزهکار بعد از تحمل خفت و خواری که در طول اعمال مجازات متحمل شده است، با یک دید انتقام‌گرایانه و بدبینانه نسبت به نظام کیفری و قضایی به اجتماع بازمی‌گردد و سعی خواهد کرد مدت زمان سپری‌شده در حین تحمیل مجازات را با توسل به جرایم مالی یا هر نوع جرم دیگر در مسیر کسب خواسته‌های خود، جبران کند. همچنین، دید منفی افراد جامعه به وی موجب طرد او از اجتماع خواهد شد و در نتیجه برای دستیابی به خواسته‌های خود گرایش بیشتری به سمت ارتکاب مجدد جرم پیدا خواهد کرد. درحالی‌که رفتار کرامت‌مدار با بزهکار و درک خواسته‌های وی و کمک به راه‌های علمی جهت بازپروری وی می‌تواند بزهکار را از غوطه‌ور شدن در منجلاب جرایم برای بار دوم و بارهای

بعدی رهایی دهد؛

۶- الگوگیری از جنبه‌های مثبت قوانین و مقررات بین‌المللی و دستاوردهای مطالعات جرم‌شناسی برای حمایت از کرامت انسانی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... داخلی می‌تواند کارساز باشد. لیکن این الگوبرداری باید به نوعی باشد که باعث ایجاد رویکردهای متفاوت و متناقض نشود؛

۷- بین قوانین داخلی ایران و قوانین و مقررات بین‌المللی از نظر توجه به کرامت انسانی و تأمین امنیت کرامتی و شخصیتی بزهکاران، تفاوت‌های زیادی وجود دارد که عمدتاً ناشی از تفاوت رویکردها نسبت به انسان و کرامت انسانی است علی‌ای حال در مواردی که مغایر با شرع و حدود الهی نباشد، می‌توان با تصویب قوانین درجهت اصلاح بزهکاران و توجه به شخصیت آنها و حمایت از کرامت انسانی و حذف یا تعدیل برخی قوانین و مجازات‌های متعارض با کرامت انسانی، این فاصله را تقلیل داد.



فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابراهیمی، شهرام. «کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از جرم و عدالت کیفری دستاوردها و دورنماها». مجله حقوقی دادگستری ۵۲ و ۵۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۴): ۳۷۴-۳۵۵.
- بابایی، محمدعلی. «پیشگیری از تکرار جرم». مجله حقوقی دادگستر ۴۷ (تابستان ۱۳۸۳): ۳۱-۴۷.
- بولک، برنارد. «زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟»، دیپاچه در کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، ۱۵۲-۱۴۷. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲.
- جعفری تبریزی، محمدتقی. حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- حبیب‌زاده، جعفر و اسماعیل رحیمی‌نژاد. «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مدرس علوم انسانی ۱۱(۴) (زمستان ۱۳۸۶): ۵۲-۸۲.
- حق شناس، علی‌محمد. فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی. چاپ ششم. تهران، فرهنگ معاصر ۱۳۸۵.
- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴.
- خمینی، روح‌الله موسوی. شرح چهل حدیث. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. جلد ۱۱. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- راهرو خواجه، علی‌اصغر و لیلادربابی فرد. «نقش مراکز مراقبت پس از خروج در پیشگیری از تکرار جرم». اصلاح و تربیت ۱۰(۱۱۴): ۳۲-۲۷. ۱۳۹۰.
- رحیمی نژاد، اسماعیل. «مجازات‌های خودسرانه و مغایر با کرامت انسانی». فصلنامه علامه ۲ (۱۳۸۵): ۸۳-۱۰۴.
- رحیمی نژاد، اسماعیل. «مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۳۸(۲) (تابستان ۱۳۸۷): ۱۳۳-۱۱۵.
- رحیمی نژاد، اسماعیل. «نگرش اسلامی به کرامت انسانی معرفت حقوقی». مجله معرفت حقوقی ۱(۲) (زمستان ۱۳۹۰): ۱۱۳-۱۲۶.
- رحیمی نژاد، اسماعیل. کرامت انسانی در حقوق کیفری. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
- رضوی فرد، بهزاد. «اجرای مجازات‌های حدی در زمان غیبت مطالعه‌ای تحلیلی در نظریات فقیهان شیعه». نشریه حقوقی دادگستری ۵۵ (۱۳۸۵): ۳۹-۷۴.
- عبدی، عباس. «مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم». مجله جامعه‌شناسی ایران ۴(۲) (۱۳۸۱): ۷۷-۹۱.
- علیخانی، علی‌اکبر. «کرامت انسانی و خشونت در اسلام». پژوهشنامه علوم سیاسی ۳ (تابستان ۱۳۸۵): ۹۹-۱۲۱.
- فرنیا، محمد. «مجازات شلاق از نظر قضایی و اجتماعی». مجله کانون وکلا دوره اول (۴) (شهریور ۱۳۲۷): ۴۹-۴۴.
- قهرمانی، صمد. «پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم». اصلاح و تربیت ۱۰(۱۱۸) (۱۳۹۰): ۹-۱۱.
- کاپتین، هنریک و مارک مالچ نیکل. جرم، بزه‌دیدگان و عدالت - مقالاتی در مورد اصول و رویه. ترجمه امیر سماواتی پیروز، با دیپاچه‌ای از دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول. تهران: نشر خلیلیان، ۱۳۸۴.
- کمیته علمی همایش. چکیده مقالات: همایش بین‌المللی امام خمینی (ره) و قلمرو دین (کرامت انسان). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۶.

- لازرژی، کریستین. «سیاست جنایی». ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. نشر یلدا، چاپ اول (۱۳۷۵): ۹۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. پیشگیری عادلانه از جرم، مجموعه مقالات تجلیل از آشوری. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- وایت، راب و فیونا هینس. جرم و جرم‌شناسی. چاپ چهارم. ترجمه علی سلیمی، محسن کارخانه و فرید مخاطب‌قمی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- وایت، راب و فیونا هینس. درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی. ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی اصل. چاپ اول. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۲.

